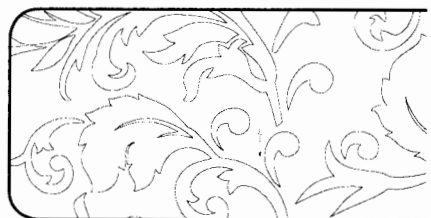


A decorative horizontal band with a repeating floral and vine pattern in black lines on a white background.

به نام خدا



فرهامه

تهران، ۱۳۹۴

از جام پیاله تا استکان نعلبکی
(چای نوشی به مثابه فرهنگ)



دکتر پیمان متین
دکتر معصومه ابراهیمی

سرشناسه: متین، پیمان، ۱۳۴۶-
عنوان و نام پدیدآور: از جام پیاله تا استکان نعلبکی: چای‌نوشی به مثابه فرهنگ/
پیمان متین، معصومه ابراهیمی.
مشخصات نشر: تهران: فرهامه، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: ۱۲۵ ص: مصور، جدول، نمودار.؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م.
فروست: مردم‌شناسی و فولکلور؛ ۶
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۸۴۳-۴-۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۰۸-۱۰۷.
یادداشت: نمایه.
موضوع: چای - ایران
شناسه افزوده: ابراهیمی، معصومه، ۱۳۵۶- پیچ
رده‌بندی کنگره: ۲۷۱BS/م۲الف ۱۳۹۴۴
رده‌بندی دیویی: ۷۲/۶۳۳
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۳۹۸۰۴۰۱



فرهامه

www.farhameh.com

farhameh@gmail.com

۰۹۱۰۴۵۱۷۲۶۱

**از جام پیاله تا استکان نعلبکی
(چای‌نوشی به مثابه فرهنگ)**

© حق چاپ: ۱۳۹۴، فرهامه

نوبت چاپ: اول

مؤلف: دکتر پیمان متین، دکتر معصومه ابراهیمی
طراح جلد و صفحه آرا: استودیو گرافیک شین
(www.sheengraphic.com)

شمارگان: ۱۰۰۰

بها: ۱۵۰۰۰ تومان

تقديم به بردیا

فهرست

- درآمد ۷
- خاستگاه و پیشینه ۱۵
- واژه‌شناسی و پیشینه ۱۶
- پیشینه چای در ایران ۲۷
- کشت و مصرف چای در ایران ۳۷
- گیاه‌شناسی، انواع و خواص چای ۴۷
- فرهنگ و فولکلور چای نوشی
از کشت نهال تا چای دم‌کشیده ۵۳
- پذیرایی با چای و آداب آن ۶۵
- چای و قهوه‌خانه ۷۵
- چای نوشی: مصداق درهم‌فشرده‌گی حواس ۸۳
- چای نوشی به سبک ایرانی ۸۷
- استکان و نعلبکی ۹۷
- کتاب‌شناسی ۱۰۷
- نمایه ۱۰۷

امروزه مرزهای بیکران فرهنگ چنان انسان را فراگرفته که دیگر نمی‌توان رفتارهای زیستی و عملکرد غریزی حیوانی او را بازشناخت. بسیاری از ویژگی‌های حیوانی انسان به واسطه فرهنگ دگرگون شده و اکنون بیش از پیش با جانداران دیگر تفاوت دارد. در اینجا به یکی از رفتارهایی که اساس زیستی داشته، لکن حالا به فرآیندی فرهنگی تبدیل شده، اشاره می‌کنیم. سخن از خوردن به عنوان یکی از مکانیسم‌های حیاتی و غریزی انسان است که در نگاه اول میان او و حیوانات دیگر مشترک جلوه می‌کند. اما با نگاهی دقیق‌تر درمی‌یابیم که میان «عمل خوردن» در انسان با حیوانات دیگر چنان تمایزهای آشکار و معناداری پدید آمده که دیگر نمی‌توانیم خوردن را جز رفتاری فرهنگی چیز دیگری بنامیم. یکی از مهم‌ترین عوامل پیدایش این امر این است که فرهنگ و جامعه در آنچه ما می‌خوریم و آنچه غذا می‌دانیم، بیشتر از شیوه زیست‌شناختی تأثیر گذاشته است. به عبارت دیگر، فرهنگ عامل تعیین‌کننده اولویتهای غذایی ما به‌شمار می‌رود. انسان به عنوان موجودی همه‌چیزخوار شناخته می‌شود، اما فرهنگ محدوده مواد خوراکی را از غیرخوراکی‌ها تعیین می‌کند و او را از خوردن بسیاری از مواد غذایی تحریم می‌کند. در نتیجه، همواره، میان آنچه از لحاظ زیستی و تغذیه‌ای ضروری است

و آنچه به عنوان غذا توسط فرهنگ تعیین می‌شود، نوعی ناسازگاری و اختلاف وجود دارد. چنان‌چه می‌بینیم در بسیاری از جوامع میان منابع بالقوه غذایی و آنچه که به عنوان اولویت کشت، برداشت و مصرف دانسته می‌شود، انطباقی وجود ندارد. محدوده‌های غذایی که از طریق فرهنگ اعمال می‌شود، از یک سو عام است و انسان را از حیوانات دیگر متمایز می‌کند و از سویی دیگر خاص است. بنابراین، اگرچه خوردن و آشامیدن به شیوه انسانی در همه جوامع می‌تواند او را از سایر حیوانات افتراق دهد، اما باورها و اعتقادهای و نظام ارزش‌ها و آداب و رسوم برآمده از آن، مکتب و ساختار آشپزی هر جامعه‌ای را خاص و منحصربه‌فرد ساخته است. فرهنگ در هر جامعه‌ای فهرست خاصی برای مواد غذایی تعیین کرده که بر اساس وضع جغرافیایی تاریخی، باورها و اعتقادهای، مذهب، اقتصاد و سیاست شکل گرفته است. این فهرست همان «الگوهای غذایی» است که مردم براساس آن نظام‌های آشپزی خود را ساخته‌اند. صرف‌نظر از برخی ملاحظات فردی و سلیقه‌ای، فرهنگ در شکل‌گیری الگو و مدل غذایی هر فرد نیز نقش بسزایی ایفا کرده است، به طوری که انسان‌شناسان معتقدند انسان از بدو تولد، نخستین گام را در جهت جامعه‌پذیری از طریق واکنش عاطفی به غذاهایی که فرهنگ انتخاب کرده، برمی‌دارد.

به تدریج که انسان در طول زندگی‌اش جامعه‌پذیرتر می‌شود، نقش فرهنگ در مصرف غذا بیشتر خود را نمایان می‌کند. تا جایی که مصرف غذا، موقعیت فردی و جمعی انسان را بر اساس معیارهایی چون سن، جنسیت، مذهب،

پایگاه اجتماعی، موقع جغرافیایی و شرایط اقتصادی بازگو می‌کند. از این‌رو، بیهوده نیست اگر عمل خوردن را فعالیت‌ی صرفاً فرهنگی بنامیم و آن را به مثابه شیوه‌های از «بیان» در نظر بگیریم. این امر ساختار مقوله‌ای را پی‌ریزی کرده است که انسان‌شناسان به آن «زبان غذا» می‌گویند، زیرا خوردن نوعی بیان نمادین است که از طریق آن نه تنها هویت فردی، موقعیت، میزان اعتبار و تشخیص افراد معرفی می‌شود، بلکه لایه‌های مختلف ساختارهای جامعه نیز آشکار می‌شوند. بنابراین، می‌بینیم که بسیاری از پژوهش‌های مربوط به غذا، به شناختن شرایط تاریخی اجتماعی و ساختارها و ارزش‌های اقتصادی و نمادین جوامع منتج می‌شوند.

افزون‌براین، می‌توان چنین نتیجه گرفت که میان نظام ارزش‌ها، شیوه‌های معیشت و ارتباطات افراد با انتخاب غذا رابطه‌ای متقابل برقرار است. هرچند غذا سرآغاز جامعه‌پذیری انسان دانسته می‌شود، اما می‌تواند عامل جدایی گروه‌ها و معیار برتری و فرودستی گروهی بر دیگری نیز قلمداد شود. این موضوع نشان می‌دهد که غذا می‌تواند یک «شانۀ فرهنگی» باشد، زیرا صرف‌نظر از آنچه می‌خوریم، کیفیت خوردن، شیوه ترکیب و فرآیند آماده‌سازی، آداب و تشریفات خوردن و اعتقادات و باورها و نوع جهان‌بینی که غذا در آن تعریف می‌شود، اهمیت پیدا می‌کند. به همین جهت، اصطلاحاً این مقوله را «فرهنگ آشپزی» نامیده‌اند. فرهنگ آشپزی می‌تواند در یک جامعه یکدست یا حتی گوناگون باشد. چنان‌که در ایران فرهنگ‌های آشپزی متنوعی دیده می‌شود و مناطق مختلف از شمال تا

جنوب و شرق تا غرب، ضمن برخورداری از عناصر مشترک، تفاوت‌های آشکاری نیز دارند. بهترین شاهد این مدعا ادبیات شفاهی مردم است که در امثال و حکم و داستان‌هایشان فرودستی یا فرادستی دیگران را به وسیله غذا بیان می‌کنند. بدین ترتیب، فرهنگ‌های آشپزی در شکل‌گیری هویت فردی و جمعی افراد نقش بسزایی دارند.

«هم‌غذایی» نیز از دیگر صفات ویژه انسان است که تأکیدی بر فرهنگی و اجتماعی بودن عمل خوردن است. هم‌غذایی مردم را با مناسبات اجتماعی در ارتباط نگه می‌دارد و حالات عاطفی و هویت اجتماعی آنها را بروز می‌دهد. این امر به حدی اهمیت دارد که انسان‌شناسانی چون کلود لوی اشتراوس تعبیر «هم‌سفرگی توتمی» را برای آن به کار برده‌اند. حتی انسان‌شناسان تمایل انسان به سهیم کردن دیگران در غذایش را خاستگاه شکل‌گیری نهاد خانواده و به طور کلی امری تمدن‌ساز دانسته‌اند. هم‌غذایی نماد خانواده، گروه و قومی است که در آن عضویت داریم. ما هر روز که به خانه برمی‌گردیم با خوردن یا نوشیدن یک وعده غذا در کنار دیگر اعضا، عضویت خود در نهاد خانواده را تجدید می‌کنیم. اهمیت هم‌غذایی به عنوان عنصری اجتماعی به حدی است که امروزه ضمانت پایداری و بقای خانواده به شکل دیرین را در هم‌سفرگی اعضای خانواده با یکدیگر دانسته‌اند. از دیرباز تاکنون بشر ضمن غذاخوردن با دیگران از خطرات و وقایع پیرامونش آگاهی یافته و اطلاعات و تجارب دیگران را دریافت کرده است. بسیاری از داستان‌های مقدس و اسطوره‌ها و پیام‌های آیینی-منسکی،

ضمن غذا خوردن بازگو و اجرا می شده است. این امر بازتاب رفتاری برای بقای بشر بوده است که آن را «حلقه گفتگوی دیرینه» نام نهاده اند. ما هر روز عضویت خود در این حلقه را ضمن هم سفرگی با دیگران دوباره اثبات می کنیم.

همچنین، صفت هم سفرگی، ضمن اینکه خود منشأ بسیاری از باورها و اعتقادهای مردم بوده است، به نظام باورها و اعتقادات در گردهم آیی های آیینی و آداب و رسوم، صورت عینی تر داده است. لذا، بیشتر آیین ها و آداب و رسوم ملی و محلی با صرف غذا، نذری و قربانی، سورچرانی و شادخواری یا خوردن غذا به عنوان نمادی از همدردی و غمخواری همراه است. به طوری که، حرمت و تبرک یا تقدس برخی غذاها هرگز به میزان مغذی و مفیدبودن آن بستگی ندارد، بلکه ارزش نمادین آن یا کاربردش در آیین ها و مراسم و مناسک است که به آن جنبه قدسی بخشیده است. غذا خوردن در آیین ها و مناسک یکی از رابط های انسان با ماوراء الطبیعه نیز شناخته می شود. از طریق غذا میان جسم و روح ارتباط برقرار می شود و تعادل میان آنها آرمانی است که در بسیاری از جهان بینی ها و آموزه های دینی مذهبی جوامع دیده می شود. هم غذایی مردم در آیین ها و مناسک ملی و محلی ضمن برقراری استحکام اجتماعی و پایبندتر کردن آنها به اعتقادهایشان، ایده واقعی، ارزش های نمادین و روح جامعه را نیز به نمایش می گذارد. بدین ترتیب، عمل خوردن و نوشیدن چنان با ملاحظات نمادین و ارزشی ترکیب می شود که «فوق غذا» پدید می آید.

در ایران مثال های متعددی برای فوق غذا می توان بیان

کرد. یکی از آنها، که موضوع این پژوهش است، چای است. چای‌نوشی در ایران فراتر از نوشیدن دم‌کرده برگ یک گیاه است، بلکه چای و چای‌نوشی در ایران نشانه و زبانی ارتباطی و گویاست که پیام‌ها و ارزش‌های نمادین را رد و بدل می‌کند. چای‌نوشی در ایران معانی و تعبیر مختلف و گاه پیچیده‌ای دارد که بازشناسی آنها مرور تاریخ فرهنگی و اجتماعی ایرانیان است. اگرچه چای بومی ایران نیست اما به عنوان ابزار مناسبی در دست فرهنگ قرار گرفته تا سنت‌های بومی و محلی و هنجارها و ارزش‌های خاص فرهنگ ایرانی را بارها و به شکل‌های مختلف بازگو کند. به همین جهت، ایرانیان چای را نوشیدنی ملی و محلی خود می‌دانند و چای‌نوشی را شیوه‌ای برای ابراز هویت جمعی و فردی خود تلقی می‌کنند. هر ایرانی در روز بارها چای می‌نوشد یا دیگران را به چای‌نوشی دعوت می‌کند. هربار چای‌نوشی می‌تواند شکلی از پیام‌های اجتماعی را انتقال دهد. بنابراین، چای‌نوشی در ایران فرهنگی چندزبانه است که هربار عنصر معناداری را به رمز تبدیل و آن را منتقل می‌کند. ترجیحات و تأثیرات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی سبب شده که چای به عنوان نوشیدنی نوظهور به میان ساختارهای اجتماعی، باورها و اعتقادات، آداب و آیین‌ها و مناسک مردم رسوخ کند و جزئی جدایی‌ناپذیر از ارزش‌های حاکم بر روح جامعه ایرانی شود. البته بررسی زمینه‌های تاریخی و روانی چنین پدیده‌ای مبحثی قابل توجه است که در این کتاب تلاش شده مورد بررسی و توجه قرار بگیرد. به هر حال، اینک در ایران چای‌نوشی نشانه‌ای از باهم‌بودگی

مداوم و بازتکرار «حلقه گفتگوی دیرینه» است و بیشتر از آنکه ارزش مادی و تغذیه‌ای آنچه می‌نوشیم مهم باشد، عمل نوشیدن و ضمانت‌های همنشین آن مانند گپ‌وگفت و احساس در جمع‌بودن است که چای را به ارزشی عالی یا فوق‌غذا تبدیل کرده است.

چای‌نوشی گاه می‌تواند پیام پایبندی به سنت را در مقابل قهوه‌نوشی و کافی‌شاپ که ارمغان مدرنیته است، بازتاب دهد و یا از همبستگی و احساس تعلق به یک رسته در میان اصناف و گروه‌های همکار بگوید؛ گاه همنشینی آن با عناصر دیگر همچون سماورهای قدیمی و استکان‌های کمرباریک منقش می‌تواند نماد نوعی نوستالژی برای گذشته‌های نه‌چندان دور باشد. به هر حال، نوشیدن چای در ایران کانون و شبکه مناسبات اجتماعی و اطلاع‌رسانی است و بیهوده نیست اگر چای‌نوشی را به مثابه فرهنگ ببنداریم.

در این کتاب تلاش شده است پیشینه و تحول چای در ایران از منظری انسان‌شناختی مورد بررسی قرار بگیرد. نخستین گام در این جهت، واکاوی پژوهش‌های زبان‌شناختی و تاریخی است که خاستگاه و پراکندگی چای و چگونگی راه‌یابی آن به سرزمین‌های مختلف و تمدن‌هایی همچون ایران را نشان می‌دهد. پیش از رواج چای در ایران نوشیدن قهوه رایج بود، اما با ورود چای، قهوه به زودی به کلی عرصه اجتماعی را ترک کرد و فقط نهاد قهوه‌خانه با کارکردهای پیشروانه‌اش باقی ماند و چای‌نوشی عمومی را به سرعت رونق و اعتبار بخشید. به‌راستی چه عواملی سبب شد قهوه بی‌اعتبار شود و چای

به این اندازه همه‌گیر شود؟ پاسخ این پرسش‌ها بخشی از مطالب این کتاب است. راه‌یابی و مصرف چای در آیین‌های سور و سوگ و آداب و رسوم ملی و محلی و ادبیات شفاهی ویژه‌ای که در پی آن پدید آمده، بخش دیگری از مطالب این کتاب است. در ادامه به یکی از همنشین‌های چای، استکان و نعلبکی، که نقش بسزایی در رونق و اعتبار چای‌نوشی داشته پرداخته می‌شود. استکان و نعلبکی در ناخودآگاه ایرانیان یادآور جام و پیاله یا به اصطلاح «دوستکام» بوده، اما از آنجاکه نوشیدن چای با این ظروف، تحریم‌ها و محدودیت‌های می و شراب را همراه نداشته است، به سرعت و شدت نفوذ چای در میان مردم، افزود.

تألیف این کتاب می‌تواند گامی در جهت پژوهش‌های انسان‌شناسی غذا در ایران باشد. با توجه به فرهنگ‌های مختلف آشپزی و نظام‌های پیچیده و متنوع خورد و خوراک در ایران و ظرفیت‌های پرشمار آن، مقوله انسان‌شناسی خوراک، خوانش تاریخ اجتماعی ایران را از دریچه‌ای دیگر میسر می‌سازد.

پیمان متین، معصومه ابراهیمی

فروردین ۱۳۹۴